





مدرسه علمیه الزهراء (س) قروه

عنوان مقاله:

حکم پیوند اعضاء از دیدگاه فریقین

استاد مربوطه:

خانم فریدونی

گردآورنده:

شیوا منتشلو

بهار ۹۳

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده	
۱- مقدمه	۱
۲- مفاهیم	۲
۲-۱- معنای زرع (پیوند) در لغت	۲
۲-۲- معنای عضو	۲
۲-۳- تعریف پیوند اعضا	۳
۳- اقسام پیوند:	۳
۳-۱- قسم اول	۴
۳-۱-۱- اقوال فقها	۴
۳-۲- قسم دوم:	۶
۳-۲-۱- اقوال فقها	۶
۳-۳- قسم سوم	۷
۳-۳-۱- اقوال فقها	۸
۳-۴- قسم چهارم	۸
۴- ادله حرمت:	۹
۵- ادله جواز	۱۲
۶- حکم مهدور الدم به غیر قصاص:	۱۵
۷- نتیجه گیری:	۱۸
منابع و مأخذ:	۱۹

چکیده:

مسئله پیوند اعضای بدن اگرچه به شکل امروزمین آن در دوران پیشین مطرح نبوده اما ریشه‌های بحث در متون دینی و منابع فقهی ما در دسترس و پیوند اعضا می‌تواند در علوم پزشکی کاربردهای زیادی داشته باشد که با پیوند زدن اعضای انسان مرده به انسان زنده این کار صورت می‌گیرد و انواع و اقسام پیوند در جامعه امروزی صورت می‌پذیرد و جامعه پزشکی اسلامی از این مسئله پیوند اعضا نتایج مفید و قابل قبولی را کسب کرده‌اند و هریک از علمای شیعه و اهل تسنن استنباط خاص خود را درباره موضوع پیوند اعضا دارند و از آنجا که مسئله پیوند اعضا از جمله مسائل مهم و گسترده است و جامعه انسانی با این موضوع روبرو می‌باشد لذا تحقیق درباره آن از اهمیت زیادی برخوردار است و از این جهت سعی بر این بوده که جایگاه پیوند اعضا از دیدگاه فقها بررسی و مورد تحلیل قرار گیرد و از نظر فقها در رابطه با این مسئله می‌توان به این نکته دست یافت که نظر اکثر فقها درباره پیوند اعضا متفاوت است و فقه‌های شیعه و اهل سنت باهم اختلاف نظر دارند و این نکته می‌تواند برای کسانی که عمل پیوند اعضا انجام می‌دهند مؤثر و مفید واقع شود تا با دقت نظر در نظر فقها از جایز یا حرام بودن عمل پیوند اعضا آگاهی پیدا کنند. و باید به سوال‌هایی که در رابطه با این مسئله مطرح می‌شود مثلاً چرا پیوند اعضا باید در انسان‌ها صورت گیرد یا نظر فقه‌های شیعه و سنی درباره حکم پیوند چیست؟ و پاسخ به این سوالات می‌تواند جایگاه پیوند اعضا از نظر دین مبین اسلام آشکار کند و این مسئله از چنان اهمیتی برخوردار است که یک نظر غلط می‌تواند در سرنوشت یک انسان اثر گذار باشد. لذا این مطالب از اهمیت این مسئله حکایت می‌کند.

کلید واژه: پیوند اعضا، شیعه، شافعیه، مالکیه، حنفیه، حنابله

۱- مقدمه

دین اسلام دین کامل و شریعت آن همه‌ی دوره‌ها را در بر می‌گیرد و نیز به دلیل جهانی بودنش در طول زمان‌ها دچار تغییر نمی‌شود زیرا حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه^۱ حلال محمد (ص) حلال است تا روز قیامت و حرام محمد (ص) حرام است تا روز قیامت). از سوی دیگر در مسیر تفکر و اندیشه اسلامی مسایل تازه‌ای قرار می‌گیرد که یکی از مهمترین این مسائل، مسئله پیوند اعضا است که امروزه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در این مقاله سعی بر این است که مسئله پیوند اعضا از دیدگاه شیعه و اهل سنت مورد بررسی قرار گیرد و حکم جایز بودن و حرام بودن پیوند اعضا از دیدگاه فقهای شیعه و علمای اهل سنت مورد بحث قرار گیرد.

در پژوهش‌هایی که در رابطه با مسئله پیوند اعضا انجام گرفته تا حدودی جامع و کامل است ولی با توجه به اینکه مسئله پیوند اعضا از جمله مسائلی است که به باورهای اجتماعی کشورها بر می‌گردد از این رو برخی فقها مخالف پیوند اعضا هستند. لذا تحقیق در این مسائل را دچار مشکل می‌کند. ولی این مقاله می‌تواند برای کسانی که می‌خواهند اطلاعات مختصری درباره این مسئله داشته باشند مفید واقع شود.

آنچه در این مقاله می‌خوانید بررسی پیوند اعضا است که جایگاه و احکام آن را روشن می‌سازد. این موضوع نخست با پیوند اعضا شروع می‌شود و بعد به اقسام پیوند اعضا و حکم هریک از آنها از نظر علمای شیعه و سنی اشاره می‌گردد، که هر کدام حکم خاص خود را در رابطه با جایز یا حرام بودن پیوند اعضا مطرح می‌کنند.

^۱ - کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۸ :

است. به هر حال برای قصاص کننده جایز است با قطع عضوی از بدن قصاص شونده او را بکشد و اگر به سبب مرضی مضطر با آن عضو باشد، قصاص با این شیوه به طریق اولی جایز است و در این صورت می توان آن عضو را به بدنش پیوند کند و اگر قائل شویم که قصاص با قطع عضو در حال اختیار جایز می باشد. همانگونه که جایز است قصاص کننده به شخص دیگر اذن یا وکالت دهد که عضو قصاص شونده را قطع کند جایز است پیوند آن در بدن مضطر به نحوی که ممکن باشد.

۶- حکم مهدور الدم به غیر قصاص:

اما کسانی که خونشان به هر دلیلی جز قصاص هدر است، کافر حربی مرتد کسی که با زن شوهردار زنا کرده است و ... به نظر می رسد کشتن این افراد به وسیله در آوردن عضوشان جایز است اما با مراعات شروطی که در قصاص معتبر است یعنی وسیله قطع آهنی باشد و شخص با شکنجه و عذاب به قتل نرسد و در حد امکان با سرعت کشته شود. مگر اینکه آنجا که قتل باید با اجازه امام یا نائب او صورت گیرد.

قتل این اشخاص با این شیوه یا به طور مطلق جایز است یا با وجود اضطرار به بعضی اندام های آنان ، بنابر اختلافی که در دو نظر هست و جایز است که پیوند عضو در آورده شده و در صورت اضطرار به آن همه ی این مطالب در صورتی است که در آوردن عضو به مرگ عضو دهنده منجر شود.

حکم قتل عضو از زنده در صورتی که به مرگ او نینجامد:

در صورتی که قطع عضو به مرگ عضو دهنده منجر نشود و آسیب زیاد به او نرسد و خنثی شدن تغییر نکند چند صورت دارد:

صورت اول: این است که شخص مریضی است که حیاتش متوقف بران عضو می باشد یا از دردی رنج می کشد که در حالت عادی تحمل ناپذیر است یا بیماری به گونه ای است که عادتاً انسان در برابر آن طاقت ندارد و عضو از اعضای اصلی و حیاتی بدن می باشد. در این صورت اقوام مختلف است:

امام خمینی(ره) می فرماید: قطع عضو از بدن زنده و پیوند در بدن دیگر با سه شرط جایز است:

الف) حیات مریض بر آن متوقف باشد.

ب) امان گرفتن عضو مورد نیاز از غیر مسلمان نباشد، با امکان گرفتن عضو از غیر مسلمان گرفتن آن از مسلمان جایز نیست

ج. عضو دهنده را خطری تهدید نکند به اینکه حیاتش پایان یابد.

با این سه شرط پیوند اعضای بدن مانند کلیه و ... جایز است.

از آیت الله اراکی (رحمت الله) درباره کسی سؤال شد که یک کلیه اش را متبرعاً به کسی می دهد که هر دو کلیه اش از کار افتاده و در معرض تلف شدن است، پیوند این کلیه در بدن او چه حکمی دارد؟ به فرض این کار جایز باشد، آیا فروش کلیه در این حال صحیح است؟ و آیا می توان در برابر دادن کلیه پول گرفت؟ وی پاسخ می دهد چون فرض مسئله این است که قطع کلیه موجب نقض و ضرر و نقص عضو داخلی است، در این کار اشکال وجود دارد.^۱

شیخ حسن در کتاب بحوث فی الفقه معاصر از ادله حرمت جواب داده و قائل به جواز این کار است.^۲ و نیز آیت الله خامنه‌ای می فرماید: در صورتی که حیات مؤمن متوقف بر اعطای کلیه باشد، اشکالی در جواز آن نیست.^۳

و در کتاب صراط النجاه سؤال ۹۶۲ آمده است؛ مؤمنی حیاتش متوقف بر کلیه‌هایش باشد تا یکی از دو کلیه از دست‌اش را تلافی کند و از سویی مؤمن دیگری است که آمادگی کامل برای اهدای یکی از دو کلیه‌اش را دارد! لیکن بنابر گفته پزشک مورد اعتماد یا پزشک کلیه دهنده پس از این کار روزه نمی‌تواند بگیرد، آیا برای او تبرع بر این کار - که در ظاهر توان روزه گرفتن را از دست می دهد - جایز است یا نه؟

^۱ - استفتائات، ج ۲، ص ۲۵۱، احکام پزشکان، ص ۱۲۱

^۲ - بحوث فی الفقه المعاصر، ص ۳۴۷

^۳ - پزشکی در آینه‌ی اجتهاد، ص ۱۴۹

آیت‌الله خوئی در پاسخ می‌گوید: بلی در صورت مفروض اشکالی نیست و آیت‌الله تبریزی فتوا می‌دهد: در فرض مثل اینکه «اهدای کلیه» جنایت و ظلم بر نفس به شمار می‌رود. حکم به جواز مشکل است، خواه دهنده‌ی کلیه توان روزه گرفتن داشته باشد یا نه و خواه حیات شخص دیگر متوقف بر این اقدام باشد یا نه.

در این میان آیت‌الله سید یوسف تبریزی قائل به تفصیل شده و گفته‌است: زمانی که شخص رضایت دهنده عضوی از اعضای او در زمان حیاتش قطع شود و در بدن دیگر پیوند یابد، اگر این کار به سلامتش آسیب می‌رساند یا موجب عیب و نقض در او می‌گردد، جایز نیست و آنگاه که قطع موجب ضرر و عیب در او نیست مانند قطع مقداری از پوست یا گوشت که پس از مدتی بهبود می‌یابد با رضایت شخصی، بر بدن این عضو جایز می‌باشد، می‌تواند در مقابل آن مبلغی دریافت کند.^۱

^۱ - المسائل المستحدثة، ج ۱، ص ۲۰

۷- نتیجه گیری:

از مطالبی که مطرح شد به این نتیجه می‌رسیم که هدف اولیه از این مقاله بررسی مسئله پیوند اعضا است و جایگاه آن از نظر فقه‌های اسلامی و علماست که نظر فقه‌های اسلامی در رابطه با این موضوع باعث می‌شود که افرادی که با این مسئله روبرو هستند دچار مشکل نشوند و احکام خاص مربوط به این مسئله آگاه بوده و در مواجهه با این مسئله دچار سردرگمی نشوند. و با پیوند دادن اعضای بدن انسان‌ها به انسان‌های دیگر به آنها حیات دوباره می‌بخشند. لذا اصل برداشت اعضاء از مردگان و پیوند آن به بدن انسان زنده مسئله حل شده‌ای است و شاید هم اختلاف نظرهایی هم در میان فقها وجود داشته باشد. بهتر است کسانی در این زمینه تحقیق انجام دهند و لازم است در این زمینه تحقیقات بیشتری انجام گیرد و موضوع پیوند اعضا را در زمینه‌های مختلف و اقسام مورد مختلف آن، مورد بررسی قرار گیرد و در دسترس خوانندگان قرار دهند تا به احکام پیوند اعضا آشنا شوند و بتوانند راحت‌تر با این مسئله برخورد کنند.

منابع و مأخذ:

۱. مسائل مستحدثه پزشکی پیوند اعضاء تهیه و تحقیق دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه خراسان رضوی قم بوستان کتاب، ۱۳۸۴
۲. بررسی فقهی و حقوقی پیوند اعضاء از بیماران فوت شده و مرگ مغزی اسماعیل آقا بابایی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۳. وسائل الشیعه، شیخ محمد بن الحسن حر عاملی، ذوی القربی قم، ۱۳۸۷ ش.
۴. کافیر یال شیخ کلینی، ج ۱، ص ۵۸.
۵. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۴۵، باب ۲، از ابواب لباس مصلی، ح ۱ و ۷.
۶. عبدالرحمان فقیهی، مقاله «بیع الاعضاء الانسانی» مجموعه آثار ... امام خمینی، مسائل مستحدثه ۱، ص ۳۶۷.